

متن پرسش

سلام. قبلاً سوالی از خدمتتان در مورد اعیان ثابتہ پرسیدم و توضیحی نیز درباره یک سوال دادہ بودید. چیزی کہ من متوجہ شدم این است کہ مثلاً امام خمینی در یک دامنه مثلاً ۱۰۰ تا ۱۰۰۰ (مراتب کمال) می توانست بہ کمال برسد و این دست خود ایشان و بہ قدر ہمتشان بود کہ بہ چہ عددی برسد. صدام ہم می توانست مثلاً بین ۱ تا ۱۰۰ بہ کمال برسد و خودش خواست و اینگونہ زیست. سوالی کہ نمیتوانم بہ آن پاسخ بدهم این است کہ چرا این ظرفیت و سعہ وجودی امام کلاً بیشتر بود؟ چرا صدام نمی توانست امام خمینی و امام نمی توانست صدام بشود؟ چرا ظرفیت او فقط ۱ تا ۱۰ بود؟ چہ چیزی این تفاوت را بہ وجود آوردہ؟ آن ها کہ اختیاری در تعیین این حدود نداشتہ اند. این کہ می شود جبر.

متن پاسخ

باسمہ تعالی؛ علیکم السلام: در عرفان و فلسفہ روشن می شود کہ «امکان» ذاتی ہر ممکن الوجودی است، وقتی امکان، ذاتی خود شیء یا شخص شد یعنی ظرفیت ہر کس بہ ذات خودش مربوط است و خداوند مطابق ظرفیت و امکان ہر موجودی، وجود را بہ ہر شخص و ہر شیء می دہد کہ در آن صورت بہ آن شخص و آن شیء کہ وجود یافت «ممکن بالذات و واجب بالغیر» می گویند. وقتی امکان ہر انسانی ذاتی اوست اختیار او در آن است کہ امکان خود را در عالم تشریح جہت دہد مثل یک مرد کہ تنها می تواند امکان مرد بودن خود را بہ سوی مرد کامل شدن جہت دہد. موفق باشید.